

**Analyzing the Relation between Perception of Citizens on Budgeting Performance and Political Trust: Case Study of Kerman (2020)**

**Abstract:**

The findings of previous studies indicate a decline in the levels of political trust in Iran. The performance of financial management of political system, institutions as well as actors is among the factors influencing political trust. The present study aimed to analyze the relation between the perception of Kermanian citizens on the performance of budgeting and their political trust in political system, institutions and actors in 2020. This study was a descriptive- correlation research which was done through a surveying method. A sample was selected of 382 people. Data were collected using a researcher- made questionnaire. The findings indicate being a positive and meaningful relation between citizens' perception of the performance of budgeting and political trust in Kerman. The findings show that 25/9 percent of the respondents have confidence in political system, 2/1 percent in political institutions and only 1 percent in political actors. Based on the findings, the average level of political trust is low that can be restored and reformed by improving budgeting performance.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.268573.1459>

## تحلیل رابطه ادراک شهروندان از عملکرد بودجه ریزی دولت و سطح اعتماد سیاسی در ایران: مورد مطالعه شهر کرمان (۱۳۹۹)

صدیقه شیخ زاده جوشانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳

یحیی کمالی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳

مریم عرب نژاد خانوکی<sup>۳</sup>

### چکیده

مطالعات انجام شده در ایران، نشان دهنده کاهش سطح اعتماد سیاسی بوده است. مدیریت مالی دولت‌ها و عملکرد نهادها از جمله عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی ذکر شده‌اند. در این راستا، پژوهش حاضر کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که بین ادراک شهروندان کرمانی از نحوه عملکرد بودجه‌ریزی دولت جمهوری اسلامی ایران و میزان اعتماد سیاسی آن‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟ پژوهش به روش پیمایشی، از نوع توصیفی و همبستگی با استفاده از آزمون اسپیرمن انجام شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و جامعه آماری، شهروندان دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر در کلان‌شهر کرمان، در بازه زمانی سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده‌اند. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان تعداد ۳۸۲ نفر تعیین گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین ادراک شهروندان از عملکرد دولت در فرایند بودجه‌ریزی و سطح اعتماد سیاسی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر، افرادی که از نحوه عملکرد بودجه‌ریزی رضایت نداشتند، اعتماد سیاسی آن‌ها نسبت به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی نیز پایین بوده است.

**واژگان کلیدی:** اعتماد، اعتماد سیاسی، عملکرد نهادی، بودجه‌ریزی، کرمان

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

کرمان- میدان پژوهش - دانشگاه شهید باهنر کرمان- دانشکده حقوق و الهیات- اتاق ۲۱۲

<sup>۲</sup> دانشیار سیاستگذاری عمومی گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان

کرمان- میدان پژوهش - دانشگاه شهید باهنر کرمان- دانشکده حقوق و الهیات- اتاق ۲۱۳

<sup>۳</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تعاریف متفاوتی از اعتماد سیاسی ارائه شده است. از جمله، ایستون اعتماد سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت جامعه نسبت به موضوعات سیاسی متصدیان سیاسی می‌داند (Easton, 1975: 450). میلر و لیستاگ نیز معتقدند، اعتماد سیاسی قضاوت شهروندان از سیستم و متصدیان سیاسی است که پاسخگو بوده و امور را حتی در نبود نظارت مستمر درست انجام می‌دهند (Miller & Listhaug, 1990: 358). به باور بریتزر، اعتماد سیاسی شامل سه بعد: اعتماد به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و به کنشگران سیاسی است که در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل بررسی است (Bretzer, 2002: 6). به لحاظ کارکردی، افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر بین مردم و دولت و در عوض، کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، فرار مالیاتی و در موارد حاد، موجب بحران مشروعیت شده است (سیدامامی و قادری، ۱۳۹۵: ۴).

پدیده اعتماد سیاسی تحت تأثیر متغیرهای گوناگونی قرار دارد از این رو، سطح آن متغیر است. بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه ایران، سطح اعتماد سیاسی متغیر بوده است. به طور نمونه، طبق یافته یوسفی (۱۳۷۹)، میانگین اعتماد به مسئولان در سال ۱۳۷۹ در سه شهر تهران، مشهد و یزد ۳۸/۷ درصد بوده است. شایگان (۱۳۸۷) میانگین اعتماد سیاسی را در سال ۱۳۸۶ حدود ۵۲ درصد و اصغری و اسدی (۱۳۹۲) اعتماد به نهادهای سیاسی، ۲۳/۷۰ درصد، به نظام سیاسی، ۱۹/۷۹ درصد و به کارگزاران را ۱۸/۵۶ درصد اعلام کرده‌اند. یافته‌های این مطالعات نشان می‌دهد، اعتماد سیاسی در ایران، به عنوان یک متغیر تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. بر اساس فراتحلیل مطالعات داخلی در حوزه اعتماد سیاسی، عوامل اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

طبق ادعای پژوهش حاضر، عملکرد دولت در زمینه مدیریت مالی می‌تواند بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر باشد؛ تغییری که در مطالعات اعتماد سیاسی در زمینه ایران از نگاه پژوهشگران دورمانده است. یکی از وظایف اساسی دولت‌ها این است که طی فرایندی تشخیص دهند منابع محدود را چگونه به اهداف نامحدود تخصیص دهند، یعنی بر چه مبنایی تصمیم گرفته شود تا  $X$  دلار به فعالیت الف به جای ب اختصاص یابد. به این فرآیند، بودجه‌ریزی گفته می‌شود. در ایران، با توجه به دولتی بودن اقتصاد، نحوه بودجه‌ریزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت این مسئله، با احتمال جایگزینی منابع مالیاتی با درآمدهای نفتی جدی‌تر خواهد شد.

بررسی نظرات محققان حوزه بودجه‌ریزی در ایران بیانگر آن است که فرآیند بودجه‌ریزی در ایران از کاستی‌های زیادی رنج می‌برد. عدم شفافیت؛ عدم پاسخگویی؛ غیر مشارکتی بودن؛ عدم استقلال فرآیند بودجه‌ریزی از جناح‌ها و گروه‌های سیاسی و عدم تخصیص عادلانه بودجه از جمله این کاستی‌ها ذکر شده‌اند. بنابراین، شیوه‌ای که بودجه‌ها آماده و اجرا می‌شوند، می‌تواند تأثیر معناداری بر نگرش‌ها، رفتار و عملکرد افرادی که در آن درگیر می‌شوند، به جای گذارد (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۱: ۵۲۶).

در سال‌های اخیر انتشار ردیف‌های بودجه در مورد نهادهای عمومی مورد توجه جامعه قرار گرفته است. چنانچه در دولت دوازدهم، به‌ویژه در بودجه‌ریزی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به شفافیت و اعلام ردیف‌های بودجه نهادهای عمومی، اقدام شده است. اقتصاددانان تداوم این رویه را مسیری صحیح برای محقق شدن پاسخگویی برنامه ریزان دانسته و آن را روشی اثربخش در جهت تهیه بودجه مبتنی بر عملکرد می‌دانند. از منظر ادبیات اعتماد سیاسی، عملکرد دولت‌ها در حوزه مدیریت مالی و به‌ویژه فرایند بودجه‌ریزی یکی از عوامل مؤثر بر سطح اعتماد سیاسی نسبت به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی است. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش به‌عنوان پرسش اصلی پاسخ دهد که بین ادراک شهروندان کرمانی از نحوه عملکرد بودجه‌ریزی دولت جمهوری اسلامی ایران و سطح اعتماد سیاسی آن‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟

### ۱. پیشینه پژوهش

درحالی‌که در غرب پدیده اعتماد سیاسی از دهه ۱۹۸۰ تا دهه ۱۹۹۵ مورد توجه بوده، در ایران این پدیده عمدتاً از دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ در دستورکار پژوهشگران مسائل سیاسی ایران قرار گرفته است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۴). کاهش سطح اعتماد سیاسی طی سال‌های اخیر در ایران، پژوهشگران را واداشته تا به بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی بپردازند. از جمله مطالعات داخلی مرتبط با مسئله پژوهش که در آن‌ها اعتماد سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته فرض شده، می‌توان به اثر دامغانیان و کشاورز (۱۳۹۹) اشاره کرد که در آن پژوهشگران به بررسی تأثیر بیماری کووید-۱۹ بر اعتماد سیاسی جامعه شهری شیراز با در نظر گرفتن نقش میانجی سرمایه اجتماعی و نقش تعدیل‌گر رسانه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، بیماری کووید-۱۹ تأثیر منفی و معناداری بر سطح اعتماد سیاسی جامعه مورد مطالعه داشته است؛ به‌گونه‌ای که هر چقدر بیماری در میان مردم شیوع بیشتری پیدا کرده، اعتماد آن‌ها به سیاست‌ها و عملکرد دولت کمتر شده است. در پژوهشی دیگر، با تأکید بر تأثیر شیوع ویروس کرونا بر میزان اعتماد سیاسی در سطح ملی، غیاثوند (۱۳۹۹) دریافته است که در ابتدای شیوع ویروس کرونا، مدیریت نظام سیاسی در مواجهه با ویروس عملکرد موفق‌تری نداشته است، از این‌رو، انتظار نمی‌رفت در این شرایط اعتماد مردم به نظام سیاسی به‌طور معناداری افزایش پیدا کرده باشد اما بتدریج با هماهنگی‌های به‌عمل‌آمده و درگیر شدن «نظام سلامت» کشور و بهبود مدیریت درمانی نظام سلامت، شاهد عملکرد مناسب دولت در برابر شیوع کرونا و در نتیجه، افزایش میزان اعتماد سیاسی بوده‌ایم. نتایج پیمایش مرادی و دلاوری (۱۳۹۸) در استان کردستان حاکی از آن است که اعتماد سیاسی در این استان در مجموع پایین‌تر از حد متوسط بوده و از متغیرهای متعدد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر پذیرفته است که از میان آن‌ها متغیر: «سیاست‌ها و عملکرد دولت» با

۷۶ درصد، بیشترین تأثیر را بر میزان اعتماد سیاسی مردم استان داشته است. در اثری دیگر، ذوالفقاری و جعفری علی آبادی (۱۳۹۷) کوشیده‌اند با بهره‌گیری از روش فراتحلیل کمی به این پرسش پاسخ دهند که اعتماد سیاسی در ایران متأثر از چه متغیرهایی بوده است؟ نتایج فراتحلیل آن‌ها نشان می‌دهد، اعتماد سیاسی به عنوان متغیر وابسته اصلی در پژوهش‌ها، متأثر از متغیرهای: حکمرانی، عدالت، سرمایه اجتماعی، دین داری، رضایت اجتماعی، سرمایه سیاسی، آنومی، تبعیض، امنیت و شبکه اجتماعی بوده است. همچنین بر اساس نتایج این فراتحلیل، وضعیت اعتماد سیاسی در حد متوسط برآورد شده است. در مطالعه پیمایشی دیگری، در شهر ساوه، فولادی (۱۳۹۶) به بررسی تفاوت بین نسلی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی پرداخته است. یافته‌های تحقیق اخیر حاکی از آن است که اعتماد سیاسی در تمامی ابعاد آن در بین نسل سوم انقلاب نسبت به نسل‌های دیگر کمتر است.

در مطالعه‌ای موردی، پژوهشگران دریافته‌اند که بین میزان انتظارات سیاسی شهروندان تهرانی از نهادها و مسئولان و اعتماد سیاسی آن‌ها رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد (اشتریان و امیرزاده، ۱۳۹۲). مطالعه اصغری و اسدی (۱۳۹۲) نیز نشان داده است که پاسخگویی سیاسی، اخلاقی و مالی به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر اعتماد عمومی به دولت و سازمان‌های دولتی بر جای می‌گذارند. یافته‌های مطالعه خانباشی (۱۳۹۰) بیانگر آن است که ثبات اقتصادی و فساد مالی به ترتیب، بیشترین اثر را بر میزان اعتماد سیاسی داشته‌اند. سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای موردی در مشهد و سبزوار دریافته‌اند که متغیرهای حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری در خانواده، جنسیت، تحصیلات و محل سکونت، ۴۰ درصد متغیرهای اعتماد سیاسی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج بررسی شایگان از عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران بعد از انقلاب (۱۳۸۷)، نشان داده است که وضعیت رفاهی، رضایت از زندگی و نگرش مردم نسبت به تلاش دولت در ایجاد رفاه اجتماعی - اقتصادی مهم‌ترین نقش را در اعتماد سیاسی داشته است.

آنچه پژوهش حاضر را از ادبیات پیشین متمایز می‌سازد، تأکید آن بر متغیر ادراک از نحوه عملکرد بودجه‌ریزی به عنوان متغیر مستقل و تأثیرگذار بر سطح اعتماد سیاسی در یک مطالعه موردی است که در پژوهش‌های داخلی حوزه اعتماد سیاسی مغفول مانده است.

## ۲. مبانی و چارچوب نظری

### ۲-۱. ماهیت و ابعاد اعتماد سیاسی

تعاریف گوناگونی از مفهوم اعتماد سیاسی ارائه شده است. در برخی تعاریف، بر ماهیت ذهنی اعتماد سیاسی تأکید شده است. به طور نمونه، ایستون (۱۹۷۵؛ ۱۹۶۵) اعتماد سیاسی را نگرش مثبت و حمایت‌گرانه افراد نسبت به رژیم سیاسی و دارندگان و متصدیان اقتدار در جامعه تعریف کرده است. در تعریف نیوتن (۲۰۰۱) اعتماد سیاسی، ارزیابی افراد از نحوه عملکرد نظام سیاسی است. در تعاریف دیگر، اعتماد سیاسی، «ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادهای سیاسی» (اوفه، ۱۹۹۹) و «درک افراد از چگونگی کارکرد و وظایف حکومت و نهادهای حکومتی و سیاستمداران» (بریتزر، ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۰) است. وجه مشترک این تعاریف، تأکید بر ماهیت ذهنی پدیده اعتماد سیاسی است، در حالی که اعتماد سیاسی یک وجه عینی و رفتاری نیز دارد. در وجه رفتاری، می‌توان به رفتار شهروندان در برابر نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی اشاره کرد، از جمله اطاعت/عدم اطاعت شهروندان از قوانین؛ پرداخت/عدم پرداخت مالیات؛ شرکت/عدم شرکت در جنگ؛ مشارکت/عدم مشارکت سیاسی (Norris, 1999: 10). در پژوهش حاضر، بر ماهیت دوگانه پدیده اعتماد سیاسی تأکید شده است که دلالت بر رابطه‌ای بودن این پدیده دارد.

موضوع دیگر، ابعاد پدیده اعتماد سیاسی است. در اینجا، اعتماد سیاسی معطوف به رابطه مردم و حاکمیت است. بریتزر (۲۰۰۲) به کمک تعاریف ایستون (۱۹۷۵؛ ۱۹۶۵) و نوریس (۲۰۰۰) تعریفی از اعتماد سیاسی ارائه کرده که در آن بر ابعاد سه‌گانه این پدیده تأکید شده است. در تعریف بریتزر، «ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام/انتزاعی تا اعتماد سیاسی محدود/به‌هم‌پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارتند از: میزان اعتقاد افراد به نظام، نهادهای سیاسی و به کارگزاران فعال در نظام سیاسی» (Bretzer, 2002: 6).

در پژوهش حاضر، اعتماد سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته بر اساس میزان ادراک افراد از عملکرد سیستم سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی سنجیده شده و در تعریف شاخص‌های اعتماد بر ترکیبی از تعاریف نوریس (Norris, 1999: 10) و بریتزر (Bretzer, 2002: 6) تأکید شده است.

### ۲-۲. بودجه ریزی

صاحب‌نظران، فرایند بودجه‌ریزی را به‌عنوان تخصیص منابع محدود برای نیازهای نامحدود می‌دانند (اعتباریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). این فرایند متشکل از چهار مرحله: ۱) تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه؛ ۲) تصویب بودجه؛ ۳) اجرای بودجه و ۴) نظارت و کنترل بودجه است که به آن «سیکل» یا «دور بودجه‌ای» گفته می‌شود. همچنین از نهادها و سازمان‌های: قوه مقننه (دیوان محاسبات)؛ قوه مجریه (هیأت دولت، شورای اقتصاد، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، کمیته‌های برنامه‌ریزی استان و

شهرستان و دستگاه‌های اجرایی)؛ قوه قضاییه (سازمان بازرسی کل کشور) به عنوان بازیگران دخیل در فرایند بودجه‌ریزی در ایران نام برده شده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۳۳).

در پژوهش حاضر، بودجه‌ریزی به عنوان متغیر مستقل، فرایندی مربوط به بودجه است. فرض بر این است که اعتماد سیاسی مبتنی بر عملکرد نظام سیاسی، نهادها و کارگزاران سیاسی است. عملکرد<sup>۲</sup> در اینجا، به طور خاص به کیفیت کلی خدمات عمومی در فرایند بودجه‌ریزی دولتی در جمهوری اسلامی ایران اشاره و دلالت بر آن دارد که نهادها در سطحی ارزیابی می‌شوند که انتظارات و ترجیحات مردم را برآورده می‌کنند. این، هم‌راستا با استدلال میشلر و رز (۲۰۰۱) است که اعتماد سیاسی را نتیجه عملکرد نهادی<sup>۳</sup> می‌دانند که در هر دو بعد سیاسی و اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (Seabo et al. 2018: 91).

به منظور عملیاتی سازی متغیر بودجه‌ریزی، نویسندگان با مرور هدمند ادبیات مرتبط با مسئله، مؤلفه های بودجه‌ریزی را بر اساس سیکل بودجه‌ریزی در ایران استخراج کردند. سپس کاستی‌ها و بایسته‌های بودجه‌ریزی در ایران از منظر ادبیات داخلی استخراج شد. حاصل این بررسی، شناسایی متغیرهای پنجگانه: شفافیت/عدم شفافیت (به معنای در دسترس بودن/نبودن اطلاعات برای عموم مردم، عدم پنهان کاری/پنهان کاری، وضوح/عدم وضوح نقش‌ها و مسئولیت‌ها)؛ پاسخگو بودن/پاسخگو نبودن (به معنای پاسخگویی/عدم پاسخگویی به نیازهای شهروندان در امور بودجه‌ای)؛ مشارکتی/غیر مشارکتی بودن بودجه‌ریزی (به معنای در نظر گرفتن/نگرفتن اولویت شهروندان)؛ استقلال/عدم استقلال فرایند بودجه‌ریزی از جناح‌های سیاسی (به معنای اتخاذ خط‌مشی‌های کلان به دور از یا تحت فشار گروه‌های سیاسی به جای اقتصاددانان) و رعایت/عدم رعایت عدالت (به معنای تخصیص یا عدم تخصیص عادلانه بودجه به مناطق، بخش‌ها و سازمان‌های مختلف) به عنوان بایسته‌ها و کاستی‌های عملکرد فرایند بودجه‌ریزی در ایران بود که با مراحل چهارگانه فرایند بودجه‌ریزی: تهیه و تنظیم؛ تصویب؛ اجرا و کنترل و نظارت در ایران انطباق داده شد.

### ۳-۲. رویکردهای نظری به اعتماد سیاسی

راه‌یابی موضوع اعتماد سیاسی به دستورکار پژوهشی اندیشمندان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را می‌توان به مسئله افول این پدیده در جوامع غربی نسبت داد. طبق یک ارزیابی، اعتماد شهروندان به حکومتها در سراسر جهان به طرزی گسترده کاهش یافته است (Pula, 2017: 6). آنچه اهمیت افول اعتماد سیاسی را برجسته می‌سازد، پیامدهای آن است. افول اعتماد نسبت به نهادهای سیاسی بر توانایی حکومتها در انجام سیاست-هایشان بسیار مؤثر است. افول اعتماد سیاسی می‌تواند شورشهای شهری را موجب شود و روند فعالیت جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات ضد سیستمی را سرعت بخشد (Suh et.al, 2012: 505). به دنبال اهمیت یافتن مسئله اعتماد سیاسی و پیامدهای ناشی از افول آن، دانشوران اقدام به نظریه پردازی درباره فرایند بروز اعتماد سیاسی و تبیین عوامل گوناگونی که سطوح اعتماد سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌داد، کردند. در ادامه این تئوری پردازی، دو رویکرد رقیب ذیل عناوین: تئوری‌های فرهنگی و نهادی<sup>۴</sup> با هدف تبیین ریشه‌های اعتماد سیاسی در مطالعات نظری مرتبط با مبحث اعتماد شکل گرفته است. از منظر رویکرد

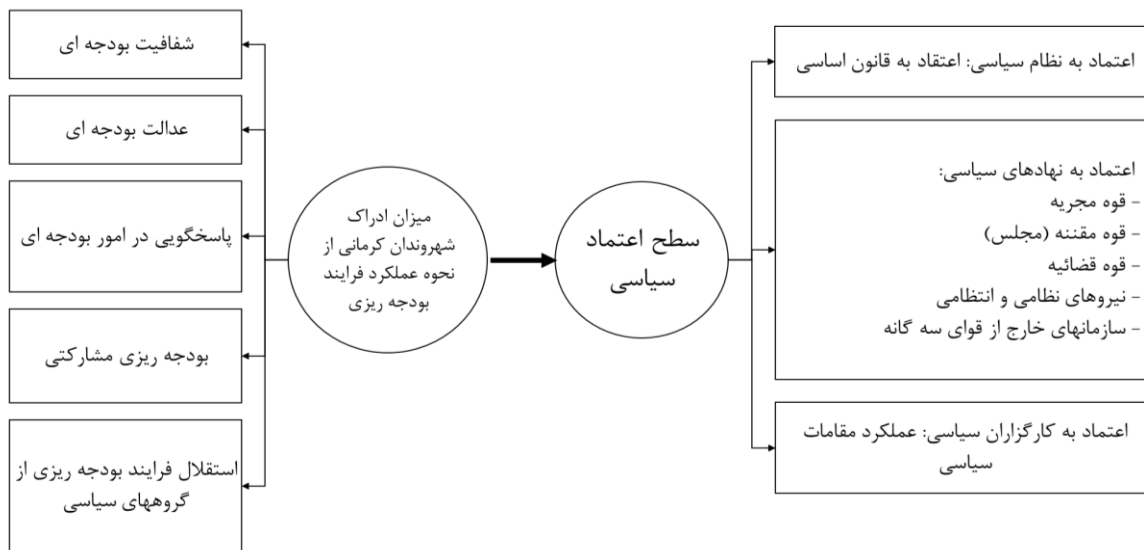
فرهنگی، اعتماد سیاسی امری است خارجی/برونزا<sup>۵</sup> که بیرون از حوزه سیاسی بوجود می آید. از منظر این نظریه، اعتماد به نهادهای سیاسی در فرآیندی طولانی از جامعه پذیری اولیه شکل می گیرد که ریشه در هنجارهای های فرهنگی دارد. رویکرد دیگر، رویکرد نهادی است که برخلاف رویکرد فرهنگی، اعتماد سیاسی را متأثر از تعاملات درون فضای سیاسی و از این رو، درونزا<sup>۶</sup> و برآمده از درون فضای سیاسی می داند، بدین معنی که اعتماد یا بی اعتمادی سیاسی در ارتباط با چگونگی عملکرد نهادهای سیاسی شکل می گیرد. از منظر تئوری های نهادی، اعتماد سیاسی همان اعتماد نهادی<sup>۷</sup> است که ابزار مورد انتظار نهادهایی که به گونه ای رضایت بخش عمل می کنند، فرض می شود. در اینجا، اعتماد سیاسی نه علت بلکه پیامد عملکرد نهادی است و به ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادی بستگی دارد؛ نهادهایی که عملکرد خوبی دارند، ایجاد اعتماد می کنند؛ نهادهای غیرقابل اعتماد ایجاد بدبینی و بی اعتمادی می کنند (Mishler and Rose, 2001: 31). در جدول شماره یک مفروضات اساسی دو رویکرد نظری درباره ریشه های اعتماد سیاسی مقایسه شده است:

جدول ۱: مفروضات اساسی رویکردهای نظری در تبیین ریشه های اعتماد سیاسی

رویکردهای فرهنگی	رویکردهای نهادی
اعتماد سیاسی یک عامل سیاسی برونزاست.	اعتماد به نهادها یک عامل سیاسی درونزا است.
اعتماد به نهادها یک فرهنگ تثبیت شده از الگوهای اجتماعی شدن و امتداد اعتماد بین فردی است.	اعتماد نهادی بازتاب قضاوت شهروندان نسبت به تجربیات آنها است که به عملکرد نهادها برمی گردد.
عملکرد نهادها یک نتیجه است نه یک تعیین کننده اعتماد به نهادها.	عملکرد نهادها یک عامل تعیین کننده است نه یک نتیجه از اعتماد نهادی.
اعتماد به نهادها به میزان اعتماد افراد به یکدیگر بستگی دارد.	اعتماد به نهادها به میزان رضایت از انتظارات افراد بستگی دارد.

Source: Nankova, 2012: 14.





منبع: پژوهش حاضر / نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

### ۳. فرضیه های پژوهش

با توجه به مدل مفهومی فوق فرضیه ها به شرح ذیل است:

#### فرضیه اصلی:

بین ادراک شهروندان کرمانی از عملکرد بودجه ریزی دولت در ایران و سطح اعتماد سیاسی آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی پژوهش در قسمت یافته ها، ارائه و تحلیل شده است.

### ۴. روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها

پژوهش حاضر به روش پیمایشی، از نوع توصیفی و همبستگی با استفاده از آزمون اسپیرمن انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه شهروندان ۲۲ سال و بالاتر دارای تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و بالاتر ساکن شهر کرمان است که براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، برابر با ۷۸,۹۶۷ نفر برآورد شده است. جهت برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد و حجم نمونه مورد مطالعه ۳۸۲ نفر به دست آمد که با توجه به امکان افت آزمودنی ها و جلوگیری از تأثیر پرسشنامه های گمشده و مخدوش احتمالی بر روی نتایج پژوهش، نمونه آماری به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. این نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

#### ۴-۱. ابزار اندازه گیری متغیرها، سنجش روایی و پایایی

در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده ها از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه از سه بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول سؤالات مربوط به ویژگی ها و مشخصات آزمودنی هاست که شامل ۴ گویه: جنسیت، سن، تحصیلات، و شغل است. بخش دوم، سؤالات مربوط به متغیر مستقل شامل ۱۷ گویه و بخش سوم سؤالات مربوط به متغیر وابسته شامل ۱۶ گویه است. برای سنجش اعتبار درونی پرسشنامه از روایی محتوایی (صوری) استفاده شده و اقدامات زیر صورت گرفت: ۱- استفاده از نظر متخصصان به منظور اطمینان بیشتر در مورد چارچوب نظری، ابعاد، مؤلفه ها و گویه های پرسشنامه محقق ساخته؛ ۲) توزیع اولیه پرسشنامه بین اساتید رشته های علوم سیاسی و اقتصادی و استفاده از بازخوردها و نظریات اصلاحی آنها.

همچنین برای سنجش هماهنگی درونی (پایایی) بین گویه ها از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین صورت که قبل از مرحله اصلی گردآوری داده ها، تعدادی از پرسشنامه ها بین ۴۰ نفر از افراد نمونه توزیع و پس از گردآوری آن ها، پایایی وسیله اندازه گیری با استفاده از ضریب الفای کرونباخ در نرم افزار SPSS ویراست ۲۲ محاسبه شد. نتایج به دست آمده برای آلفای کرونباخ در جدول شماره دو قابل مشاهده است:

متغیر	مؤلفه	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
بودجه ریزی	شفافیت	۴	۰/۶۲۲
	پاسخگویی	۴	۰/۹۰۲
	مشارکتی بودن	۳	۰/۸۵۲
	عدم نفوذ جناح های سیاسی	۳	۰/۹۲۷
	عادلاننه بودن	۳	۰/۸۷۲
اعتماد سیاسی	اعتماد به نظام سیاسی	۲	۰/۷۳۱
	اعتماد به نهادهای سیاسی	۷	۰/۹۲۲
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۷	۰/۹۰۲

منبع: پژوهش حاضر

بر اساس داده های جدول فوق، مقدار آلفا در شاخص متغیر بودجه ریزی ۰/۹۰۴ و در مؤلفه های آن شامل شفافیت، پاسخگویی، مشارکتی بودن، عدم نفوذ جناح های سیاسی و عادلانه بودن به ترتیب ۰/۶۲۲، ۰/۹۰۲، ۰/۸۵۲، ۰/۹۲۷ و ۰/۸۷۲ بود. همچنین مقدار آلفا در متغیر اعتماد سیاسی ۰/۹۳۸ تعیین گردید و در مؤلفه های آن شامل اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی به ترتیب، ۰/۷۳۱، ۰/۹۲۲ و ۰/۹۰۲ بود. مقادیر آلفای کرونباخ نشان دهنده پایایی خوب و قابل قبول پرسشنامه می باشد. از این رو، با توجه به نتایج به دست آمده می توان پایایی ابزار تحقیق را پذیرفت.

در این پژوهش، متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات و شغل به عنوان پارامترهای جمعیت شناختی انتخاب شده است. در اولین یافته توصیفی، اطلاعات جنسیتی پاسخگویان نشان می دهد، نمونه مورد مطالعه، ۵۶/۴ درصد مرد و ۴۳/۶ درصد زن بوده اند. اطلاعات مربوط به سن پاسخ گویان نشان می دهد، ۲۷ درصد در گروه سنی ۲۲ تا ۳۰ سال، ۳۸/۶ درصد، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۰/۷ درصد، ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۰/۸ درصد، ۵۱ تا ۶۰ سال، ۲/۶ درصد، ۶۱ تا ۷۰ سال و ۰/۳ درصد در گروه سنی ۷۱ سال و بالاتر بوده اند. از نظر میزان تحصیلات، ۴۷/۶ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۳۶/۳ درصد، کارشناسی ارشد، ۱۵/۶ درصد، دکتری و بالاتر و ۰/۵ درصد دارای تحصیلات حوزوی بوده اند. از نظر شغل، ۳۰ درصد پاسخگویان در بخش دولتی، ۵/۳ درصد در بخش عمومی غیردولتی، ۴۵/۴ درصد، خصوصی، ۱۰/۱ درصد بیکار و ۹/۳ درصد در سایر مشاغل، مشغول بوده اند.

قبل از آزمون فرضیه‌ها، به بررسی نرمال بودن فرضیه‌ها توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای K-S پرداخته شد. با توجه به نتایج، فرض نرمال بودن مؤلفه‌های متغیر بودجه‌ریزی و اعتماد سیاسی رد گردید ( $P < 0/01$ ). بنابراین، برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده گردید.

### ۵. آزمون فرضیه‌ها:

**فرضیه اول:** بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نظام سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره سه آمده است:

جدول ۳: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نظام سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۳۲۰	* < ۰/۰۰۰۱	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نظام سیاسی معنادار است ( $r = 0/320, P < 0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، بر اساس یافته‌های تحقیق با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان بیان کرد که هرچه ادراک شهروندان از شفافیت بودجه‌ای دولت مثبت باشد، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه دوم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره چهار آمده است:

جدول ۴: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نهادهای سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۵۰۲	* < ۰/۰۰۰۱	۳ ۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به نهادهای سیاسی معنادار است ( $r=0/502, P<0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از شفافیت بودجه‌ای دولت مثبت باشد، اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه سوم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به کنشگران سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره پنج آمده است:

جدول ۵: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به کنشگران سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۴۸۹	* <0/0001	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از شفافیت بودجه‌ای دولت و اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار است ( $r=0/489, P<0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از شفافیت بودجه‌ای دولت مثبت باشد، اعتماد به کنشگران سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه چهارم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره شش آمده است:

جدول ۶: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۳۵۸	* <0/0001	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی معنادار است ( $r=0/358, P<0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت)

می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه پنجم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.  
نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره هفت آمده است:

جدول ۷: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۵۸۹	* < ۰/۰۰۰۱	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ,  $r = ۰/۵۸۹$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه ششم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.  
نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره هشت آمده است:

جدول ۸: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۶۵۲	* < ۰/۰۰۰۱	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ,  $r = ۰/۶۵۲$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هر چه ادراک شهروندان از پاسخگویی دولت در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به کنشگران سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه هفتم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.  
نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره نه آمده است:

جدول ۹: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۴۸۵	<۰/۰۰۰۱*	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی معنادار است ( $r = 0/485, P < 0/001$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه هشتم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ده آمده است:

جدول ۱۰: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۶۵۰	<۰/۰۰۰۱*	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی معنادار است ( $r = 0/650, P < 0/001$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نهادهای سیاسی نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه نهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره یازده آمده است:

جدول ۱۱: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۶۵۹	<۰/۰۰۰۱*	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ,  $r = ۰/۶۵۹$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از مشارکتی بودن بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به کنشگران سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه دهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره دوازده آمده است:

جدول ۱۲: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۳۰۵	<۰/۰۰۰۱*	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نظام سیاسی معنادار است ( $P < ۰/۰۱$ ,  $r = ۰/۳۰۵$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدم اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه یازدهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره سیزده آمده است:

جدول ۱۳: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
--------------------------	-------------------	-------	-------------	------------



مستقیم	دارد	۳۸۶	$<0/0001^*$	۰/۵۲۵
--------	------	-----	-------------	-------

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی معنادار است ( $P < 0/01$ ,  $r = 0/525$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدم اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه دوازدهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.  
نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره چهارده آمده است:

جدول ۱۴: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۶۱۲	$<0/0001^*$	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار است ( $P < 0/01$ ,  $r = 0/612$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدم اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی مثبت باشد، اعتماد به کنشگران سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه سیزدهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به نظام سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره پانزده آمده است:

جدول ۱۵: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به نظام سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
۰/۳۶۳	$<0/0001^*$	۳۸۶	دارد	مستقیم

\*: در سطح ۰/۰۱ معنی دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به نظام سیاسی معنادار است ( $r = 0/363, P < 0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدالت بودجه‌ای مثبت باشد، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه چهاردهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به نهادهای سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره شانزده آمده است:

جدول ۱۶: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به نهادهای سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
0/515	<0/0001*	386	دارد	مستقیم

\*: در سطح 0/01 معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از اعمال نفوذ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در فرایند بودجه‌ریزی و اعتماد به نهادهای سیاسی معنادار است ( $r = 0/515, P < 0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدالت بودجه‌ای مثبت باشد، اعتماد به نهادهای سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

**فرضیه پانزدهم:** بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به کنشگران سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره هفده آمده است:

جدول ۱۷: ضریب همبستگی بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به کنشگران سیاسی

ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)	تعداد	وجود ارتباط	نوع ارتباط
0/597	<0/0001*	386	دارد	مستقیم

\*: در سطح 0/01 معنی‌دار

نتایج آزمون همبستگی نشان داد، رابطه بین ادراک شهروندان کرمانی از عدالت بودجه‌ای و اعتماد به کنشگران سیاسی معنادار است ( $r = 0/597, P < 0/01$ ). این رابطه به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. به بیان دیگر، هرچه ادراک شهروندان از عدالت بودجه‌ای مثبت باشد، اعتماد به کنشگران سیاسی بیشتر خواهد بود و بالعکس.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر کوشیده است با بهره‌گیری از مباحث نظری بریتزر (۲۰۰۲) و نوریس (۱۹۹۹) به عنوان مبنای نظری پژوهش، تأثیر ادراک شهروندان کرمانی از عملکرد فرایند بودجه‌ریزی را بر میزان اعتماد سیاسی

آن‌ها نسبت به ابعاد سه گانه: نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در شهر کرمان بسنجند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین ادراک شهروندان از عملکرد دولت در فرایند بودجه‌ریزی و سطح اعتماد سیاسی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد ( $r=0/320$ ,  $P<0/01$ ). به بیان دیگر، افرادی که از نحوه عملکرد بودجه‌ریزی رضایت نداشتند، اعتماد سیاسی آن‌ها نسبت به نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی پایین بوده است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که میان ادراک شهروندان نسبت به بودجه‌ریزی و اعتماد سیاسی، در گروه‌های سنی مختلف و سطوح تحصیلات متفاوت اختلاف معناداری وجود ندارد اما تفاوت بین گروه‌های جنسیتی و گروه‌های مختلف شغلی، معنادار بوده است. گودفرویت و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) با استناد به مطالعات پیشین می‌گویند بین جنسیت، سن، تحصیلات و موقعیت شغلی و اعتماد نهادی ارتباط مثبت وجود داشته است. به باور چیما و پوپووسکی<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) ویژگی‌های جمعیتی می‌تواند تغییرات سطوح اعتماد را توضیح دهد. طبق بررسی وی، بدبینی نسبت به دولت به افزایش سن و میزان درآمد بستگی دارد. مسائل نسلی ممکن است تأثیر متفاوتی بر اعتماد داشته باشند، زیرا نسل جوان‌تر در مقایسه با نیاکان خود نسبت به رهبران سیاسی اعتماد کمتری دارند (Cheema and Popovski, 2010: 6). اسپینال و هارتلین (۲۰۰۶) نیز دریافته‌اند که در کشورهای در حال توسعه، سن، تأثیر غیر خطی بر اعتماد سیاسی دارد: نسل‌های قدیمی که نهادهای استبدادی را تجربه کرده‌اند، تحمل بیشتری نسبت به دولت‌های فاسد اما دموکراتیک دارند (Blind, 2006: 13).

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد، میانگین سطح اعتماد سیاسی پایین است. به عبارت دیگر، ۲۵/۹ درصد پاسخگویان به نظام سیاسی، ۲/۱ درصد به نهادها و تنها ۱ درصد به کنشگران سیاسی اعتماد کامل داشته‌اند. این میزان از کاهش سطح اعتماد سیاسی در محدوده زمانی مورد مطالعه را می‌توان متأثر از بحران همه‌گیری بیماری کرونا در کشور و عملکرد دولت دانست. در پژوهش موردی دامغانیان و کشاورز (۱۳۹۹) تأثیر منفی و معنادار بیماری کووید-۱۹ بر اعتماد سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، هر چه قدر بیماری کووید-۱۹ در میان مردم شیراز شیوع بیشتری پیدا کرده، اعتماد آنها نسبت به سیاست‌های دولت کمتر شده است. در حقیقت بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده، می‌توان گفت که از زمان ظهور بیماری کرونا، بسیاری از افراد جامعه نگاه منفی نسبت به عملکرد دولت پیدا کرده‌اند (دامغانیان و کشاورز، ۱۳۹۹: ۲۰۴). چنانکه بانک جهانی اذعان دارد که بحران‌ها بر اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارند. این تغییرات، چالش‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند که ممکن است دولت‌ها با آن رشد نکنند، اما این تغییرات می‌توانند نگرش‌های فردی را تغییر دهند (The World Bank, 2010: 207).

همچنین پژوهش دریافته است که سطح اعتماد به نظام سیاسی در مقایسه با ابعاد اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی بالاتر است که این مسئله می‌تواند مشروعیت نظام را در نزد پاسخگویان تأیید کند. اما براساس اصل اعتماد تعمیم یافته، چنانچه سطح اعتماد سیاسی پایین نسبت به کنشگران و نهادهای سیاسی بهبود نیابد، می‌تواند در دراز مدت به بعد نظام سیاسی سرایت کند. «اگر شهروندان از عملکرد نهادها یا

کنشگران سیاسی رضایت نداشته باشند، عدم رضایت آن‌ها به سطوح نظام و کنشگران سیاسی نیز سرایت می‌کند یا اینکه عدم اعتماد به متصدیان خاص، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی مختلف شده و در نهایت، به کل سیستم سیاسی سرایت کند (Blind, 2006: 5). در حقیقت، اعتماد سیاسی پدیده‌ای مسری است. به همین دلیل است که اعتماد یک محصول بسیار شکننده است، زیرا اگر یک قطعه از پازل آسیب ببیند، کل تصویر نابود خواهد شد (Bakonyi, 2011: 40).

در زمینه موضوعی پژوهش حاضر می‌توان گفت که استفاده از پول عمومی یک حوزه مهم است که در آن اعتماد به راحتی از دست می‌رود. در سال‌های اخیر، برخی اصلاحات برای بهبود حاکمیت بودجه‌ای و سطح اعتماد میان شهروندان و نهادهای دولتی معرفی شده است. این امر به رسمیت شناختن آن است که حاکمیت خوب بودجه، تخصیص منابع اثربخش و ثبات اقتصادی بلندمدت را به ارمغان می‌آورد که می‌تواند به بازسازی اعتماد شهروندان به دولت کمک کند (OECD, 2017: 88). در زمینه ایران، به نظر می‌رسد، با وجود درآمدهای سهل‌الوصول و هنگفت نفتی، دولت ضرورتی برای بهبود عملکرد مدیریت مالی و نهادهای دخیل در این حوزه و در نتیجه، افزایش اعتماد سیاسی احساس نمی‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، اعتماد به نظام سیاسی، نسبت به دو مؤلفه دیگر، در سطحی بالاتر قرار دارد. این مسئله می‌تواند فرصتی برای نظام، نهادها و کنشگران سیاسی تلقی شود تا به کمک سازوکارهایی مانند: شفافیت، پاسخگویی، مشارکت دادن شهروندان، پرهیز از جناح‌گرایی و رعایت عدالت در امور بودجه‌ای، اعتماد سیاسی را ترمیم و احیا کنند. پژوهشگران حوزه مدیریت مالی در ایران معتقدند، شیوه‌ای که بودجه‌ها آماده شده و اجرا می‌شوند می‌تواند تأثیر معناداری بر نگرش‌ها، رفتار و عملکرد افرادی که در آن درگیر می‌شوند، به‌جای گذارد (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۱: ۵۲۶). بنابراین، بودجه‌ریزی عاملی ضروری در معماری اعتماد بین دولت و شهروندان است (مقیم‌ی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰).

پی نوشت

- 1- Relational
- 2- Performance
- 3- Institutional Performance
- 4- Cultural and Institutional Theories
- 5- Exogenous
- 6- Endogenous
- 7- Institutional Trust
- 8- Godefroidt
- 9- Cheema and Popovski

## کتابنامه

۱. آذر، عادل و امیرخانی، طیبه (۱۳۹۱). **بودجه‌ریزی عمومی: نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی**، تهران: انتشارات سمت.
۲. اشتریان، کیومرث و امیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیرات انتظارات سیاسی بر اعتماد مردم نسبت به مسئولان (بررسی موردی شهر تهران)»، **پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، سال دوم، شماره ۴، صص ۹۶-۷۷.
۳. اصغری، حرمت و اسدی، اسماعیل (۱۳۹۲)، «تأثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی ایران)»، **فصلنامه رسالت مدیریت دولتی**، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۷۵-۵۳.
۴. اعتباریان، اکبر؛ عمادزاده، مصطفی و روحانی، علی (۱۳۹۲)، «بررسی نقش اطلاعات حسابداری در بودجه‌ریزی»، **پژوهش حسابداری**، دوره ۳۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، صص ۷۱-۵۳.
۵. خانباشی، محمد (۱۳۹۰)، «تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی»، **فصلنامه راهبرد**، سال بیستم، شماره ۶۱، صص ۳۱۵-۲۷۷.
۶. دامغانیان، حسین و کشاورز، محمد (۱۳۹۹)، «واکوی تأثیر بیماری کووید-۱۹ بر اعتماد سیاسی با توجه به نقش میانجی سرمایه اجتماعی و نقش تعدیل‌گر رسانه‌های اجتماعی»، **فصلنامه دولت‌پژوهی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۱۳-۱۷۷.
۷. ذوالفقاری، اکبر و جعفری علی‌آبادی، عاطفه (۱۳۹۷). «تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به مثابه سرمایه سیاسی؛ فراتحلیل پژوهش‌های موجود»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، سال اول، شماره ۳، صص ۶۱-۳۱.
۸. سردارنیا، خلیل‌الله؛ قدرتی، حسین و اسلام، علیرضا (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۳۵.
۹. سید امامی، کاووس و قادری، علی (۱۳۹۵)، «تغییرات نگرشی نسل سوم انقلاب در زمینه اعتماد سیاسی در دهه ۱۳۸۰»، **فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت**، دوره دهم، شماره ۳۵، صص ۲۶-۳.
۱۰. شایگان، فریبا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، **مجله دانش سیاسی**، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۵۳.
۱۱. غیاثوند، احمد (۱۳۹۹)، «سازوکار اعتماد مردم به عملکرد دولت در شرایط شیوع کرونا»، **فصلنامه دولت‌پژوهی**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۳۴-۱.

۱۲. فولادی، صفدر (۱۳۹۶)، «بررسی تفاوت نسلی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی (مطالعه موردی: شهر ساوه)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
۱۳. مقیمی، سیدمحمد؛ پورعزت، علی اصغر؛ دانایی فرد، حسن و احمدی، حیدر (۱۳۹۵)، «تبیین عناصر حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری نظام بودجه‌ریزی کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۵۲-۳۲.
۱۴. مرادی، بهنام (۱۳۹۲)، اصول بودجه، تهران: نشر فرانما.
۱۵. مرادی، سالار و دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۸)، «سنجش اعتماد سیاسی و شناسایی عوامل موثر بر آن در استان کردستان»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۱۱-۸۱.
۱۶. مرادی، سالار؛ کواکبان، مصطفی و فلاحت پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۶)، «فرا تحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره هفتم، شماره ۲۴، صص ۱۳۳-۱۰۵.
۱۷. یوسفی، علی (۱۳۷۹)، «بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

#### ب: منابع لاتین

18. Bakonyi, E. (2011). "To Trust or Not to Trust? Trust Towards Democratic Institutions in Central and Eastern Europe after the Regime Change in 1989-1990 – with a Special Focus on Hungary", School for Sociology Doctoral Studies, Faculty of Social Sciences, Corvinus University Budapest.
19. Blind, K.P. (2006). "Building Trust in Government in The Twenty First Century: Review of Literature and Emerging Issues". Presented in: 7<sup>th</sup> Global Forum on Reinventing Government Building Trust in Government, 26-29 June 2007, Vienna, Austria. 1-31.
20. Bretzer, Y.N. (2002). "How can institutions better explain political trust than social capital does"? Prepared for the XI Nordic Conference on municipal research November 29- December 1, 2002, institute for statskundskab, odens, Denmark.
21. Cheema, G. S. & Popovski, V. (2010). "Building Trust in Government: Innovations in Governance Reform in Asia", Publishing: United Nations University Press, ISBN 978-92-808-11896.
22. Easton, D. (1965) A System's Analysis of Political Life; New York, John Wiley & Sons.
23. Easton, D. (1975). "A Re-assessment of the Concept of Political Support". British Journal of Political Science, Vol.5, No.4, Pp. 435-457.
24. Godefroidt, A., Langer, A. & Meuleman, B. (2017). "Developing Political Trust in a Developing Country: The Impact of Institutional and Cultural Factors

- on Political Trust in Ghana”. *Democratization Journal*, Vol.24, No.6, Pp. 906-928, Available at: <http://dx.doi.org/10.1080/13510347.2016.1248416>
25. Miller, A. H., & Listhaug, O. (1990). “Political Parties and Confidence in Government: A Comparison of Norway, Sweden and the United States”. *British Journal of Political Science*, Vol.20, No.3, Pp.357-386. Retrieved January 8, 2021, Available at: <http://www.jstor.org/stable/193915>
26. Mishler, W. & Rose, R., (2001). “What are the Origins of Political Trust? Testing Institutional and Cultural Theories in Post-Communist Societies”, *Comparative Political Studies*, Vol.34, No.1, Pp.30-62.
27. Nankova, A. N. (2012). “Distrust in the Political Institutions: The Case Study of Bulgaria”, For Bachelor Thesis, West Falische, Munster, Wilhelms-Universitat.
28. Newton, K. (2001). “Trust, Social Capital, Civic Society, and Democracy”. *International Political Science Review*, Vol.22, no.2, Pp.201-214. Available at: <https://doi.org/10.1177/0192512101222004>.
29. Norris, P. (Ed.). (1999). “Critical Citizens: Global Support for Democratic Government”. OUP Oxford.
30. OECD (2017) *Trust and budgeting: Meeting the challenge of competence and values*, eds: Downes, R. & Scherie N. OECD Publishing: Paris. Available at: <https://doi.org/10.1787/9789264268920-7-en>.
31. Offe, C. (1999). “How can we trust our fellow citizens”, *Democracy and Trust*, 52, 42-87.
32. Pula, E. (2017). “Determinants of trust in institutions in Kosovo: an empirical perspective”, Group for legal and political studies. Available at: <https://www.legalpoliticalstudies.org/determinants-of-trust-in-institutions-in-kosovo-an-empirical-perspective/>
33. Seabo, B., Molefe, W. & Molomo, M. (2018). “Political trust in Botswana’s executive presidency: The Khama era”, *African Journal of Political Science and International Relations*, 12 (6), pp. 85-99. <https://www.academicjournals.org/AJPSIR>
34. Suh, C. S., Chang, P. Y., & Lim, Y. (2012). “Spill-Up and Spill-Over of Trust: An Extended Test of Cultural and Institutional Theories of Trust in South Korea in *Sociological Forum*” Vol.27, No2, pp.504-526, Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd.
35. The World Bank (2010). “Results, Performance Budgeting and Trust in Government” eds: Arizti, P. Brumby, J. Manning, N. Senderowitsch, R. Thomas, T. Results. Pp. 201-221.